

شیوه‌های جبران خسارت معنوی ناشی از نقص زیبایی خطای پزشکی^۱

علمی - پژوهشی

عاطفه نیک نژاد*

علیرضا مظلوم رهنی**

چکیده

مسئولیت مدنی و جبران خسارت معنوی از موضوعات مهمی است که همواره مورد توجه حقوقدانان بوده است. جبران خسارت زیان‌دیده امری مهم، که قانون‌گذار به‌عنوان یک اصل توجه ویژه‌ای به آن داشته است. از جمله مصادیق مهم و مصطلح از خسارت معنوی در جامعه امروز بحث نقص زیبایی است. به این معنی که شخص به دلایل متعدد، زیبایی ظاهری و چهره خود را از دست می‌دهد و این امر سبب آسیب روحی و منزوی شدن فرد می‌گردد اما متفاوت بودن جبران خسارت معنوی و دشواری ارزیابی آن سبب نارسایی‌ها می‌شود. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به شیوه‌های جبران خسارت معنوی پرداخته‌است که در نتیجه از بین روش‌هایی که جهت جبران خسارت معنوی ارائه شده می‌توان به شیوه‌های اعاده وضع به سابق، جبران معادل، نمادین و خسارت تنبیهی اشاره کرد. در این پژوهش بر ناکارآمدی شیوه‌های جبران در نظام حقوقی ایران نتیجه‌گیری و توجه به خواسته زیان‌دیده در نحوه جبران خسارت تاکید و پیشنهاد گردیده‌است. به نظر می‌رسد با ارائه شیوه جدید بتوانیم سبب التیام و آرامش خاطر زیان‌دیده شویم، از این رو به هدف اصلی از جبران خسارت نائل شویم.

واژه گان کلیدی: خسارت معنوی، جبران خسارت، شیوه‌های جبران، نقص زیبایی

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۱/۰۵/۲۵) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۱۱/۱۷)

* دانشجوی دکترا رشته حقوق، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

** استادیار، گروه حقوق، علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول)

۱- مقدمه

آنچه که از مفهوم خسارت معنوی می‌توان بیان نمود، آسیب و صدمه به منافع غیر مالی اشخاص از جمله آسیب و نقص در زیبایی افراد است. با وجود اینکه در رابطه با خسارت معنوی و مصادیق پیرامون آن تحقیقاتی به عمل آمده اما به شیوه جبران در نقص زیبایی اشاره نشده است ما ضمن بررسی مفهوم آن به بررسی شیوه‌های جبران و همچنین کارآمدی هر یک از آنها خواهیم پرداخت. جبران خسارت معنوی یکی از موضوعات جدا نشدنی مسئولیت مدنی است که هم در داخل و هم در خارج از کشور به آن توجه شده است زیرا همواره این مساله مورد توجه همگان بوده که حقوق افراد جامعه تحت هر شرایطی باید حفظ شود و در صورت بروز خسارت، افراد خاطی ملزم و موظف به جبران آن خواهند بود چراکه بروز خسارت سبب مسئولیت مدنی برای واردکننده زیان خواهد شد. در این پژوهش سعی بر این است به بررسی روش‌ها جبران خسارت، کارآمدی آن و همچنین تعیین شیوه ی جبران خسارت معنوی ناشی از نقص زیبایی پرداخته شود.

۲- مفهوم خسارت معنوی

فونت خسارت به فتح «خ» و «ر» در لغت به معنای زیان بردن، زیان دیدن، زیانکاری و زیان آمده است. (عمید، ۱۳۶۲، ۴۵۱)

خسارت معنوی اصطلاحی است که تعیین مصادیق و قلمرو آن کار ساده ای نیست چراکه با وجود به کار رفتن در متون قانونی متعدد اما در هیچ یک از آنها تعریفی از خسارت معنوی بیان نشده است. (حاتمی، ۱۳۸۲، ۴۴)

نظر برخی از فقها در مورد خسارت معنوی این است که ورود هرگونه نقص به آبرو، جان و هر بعدی از ابعاد وجودی شخصیت انسان را جزو مصادیق ضرر محسوب کرده است. (بجنوردی، ۱۴۱۰، ۲۱)

برخی از حقوق دانان ضرر معنوی را به ضرری که به عرض و شرف و حیثیت متضرر یا یکی از اقارب او وارد می‌شود می‌دانند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۴۱۶) تعریف دیگری که در این رابطه وجود دارد عبارت است از صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخص که در اثر عمل بدون مجوز قانونی دیگری یافت می‌شود. (امامی، ۱۳۹۵، ۶۸)

نظر دکتر کاتوزیان در مورد زیان معنوی این است که تعریف آن دشوار است اما آنچه که موجب صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی مانند احساس درد جسمی و رنج‌های روحی، از بین رفتن آبرو و

حیثیت و آزادی می شود، ضرر معنوی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۴۴)

خسارات وارده به اشخاص را می توان در سه دسته جسمی، مالی، و روحی شخصیتی تقسیم کرد:

۱-۲ - خسارت جسمی یا بدنی

روحی در حقوق ایران در هیچ یک از متون قانونی درباره ماهیت صدمه‌های جسمی و بدنی اشاره‌ای نشده است. نظر حقوق دانان در این باره این است که این خسارت‌ها دارای ماهیت مادی و یا مرکب از

هر دو نوع خسارت مالی و معنوی هستند. (سلطانی-نژاد، ۱۳۹۴، ۲۴)

برخی از حقوق دانان برای معنوی دانستن این نوع خسارات به یکسری دلایل اشاره کردند، هر چند جسم انسان از عناصر مادی تشکیل شده اما نمی توان آن را مال دانست از این رو صدمه وارد بر آن را نیز نمی توان مالی و مادی به حساب آورد همانند قتل، جرح، قطع عضو، یا صدمات دیگر را نمی توان خسارت مالی یا مادی دانست. همراه بودن خسارت‌های بدنی با خسارت‌های مالی مانند هزینه معالجه، بیکاری و مانند آن نباید سبب شود تا این دو خسارت را یکی دانست چرا که در بسیاری از موارد ممکن است صدمه بدنی منجر به زیان مالی نشود به عنوان مثال ضرب و شتم یا آسیب ساده یک عضو بدن ممکن است هیچ نوع ضرر مالی را به همراه نداشته باشد از طرفی وجود دو نوع خسارت با ماهیت‌های متفاوت در یک حادثه سبب تغییر ماهیت و یکی شدن آن‌ها نخواهد شد.

همچنین اگر در صدمات بدنی که همراه با خسارت مالی باشد این دو نوع خسارت همچنان ماهیت متفاوت از هم را خواهد داشت. به عنوان مثال اگر در اثر ایراد ضرب، پای کسی بشکند به زیان دیده دو خسارت متفاوت وارد شده، یکی شکستگی پا و درد ناشی از آن و هم خوردن تعادل فیزیکی او که خسارت معنوی است و هزینه معالجه و بیکاری و هزینه طرح دعوا ناشی از آن که از نوع خسارت مالی می باشد.

این خسارت اگرچه از یک حادثه به وجود آمده اما ماهیت کاملاً متفاوتی از هم دارند چرا که یکی چهره مالی و دیگری چهره معنوی دارد. آنچه که می تواند همراه با خسارت جسمی و بدنی همراه باشد درد و رنج، قطع امید از زندگی و بهم خوردن تعادل یا از دست دادن توانایی و قابلیت است. با بررسی در نظام‌های حقوقی ملاحظه می شود که صدمات جسمی و بدنی از انواع خسارت معنوی محسوب شده و درد و رنج از اصلی ترین عامل در اینگونه آسیب‌ها هستند. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴، ۲۴-۲۵)

طبق نظر برخی از حقوق دانان خسارت بدنی در برخی مواقع همراه با خسارت همچون درد و رنج، فشار

عاطفی، از دست دادن درآمد هزینه‌های معالجه و غیره می‌تواند باشد که در واقع چهره‌های مختلف معنوی و مادی زیان‌های جسمی بشمار می‌آیند. این امر سبب می‌شود که زیان‌دیده با آسیب‌های بدنی، سرمایه‌های مختلف مادی و معنوی را از دست بدهد، از این رو می‌تواند جبران خسارت مادی و معنوی را از واردکننده زیان بخواهد. (نقیبی، ۱۳۸۶، ۶۱)

۲-۲- مالی

تلف یا نقص در اعیان یا منافع اموال یا حقوق مالی اشخاص همانند حق ارتفاق و حق انتفاع است. (توکلی، ۱۳۹۹، ۵۳۱)

ضرر ناشی از تلف مال یا فوت منفعت باشد یعنی ممکن است بر اثر واقعه‌ای، مالی از دارایی شخص از بین برود و یا اینکه شخص از منفعتی که حسب جریان عادی امور و به احتمال قوی باید کسب کند محروم گردد. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۶، ۱۱۵)

اگر نفعی که از شخص سلب شده، یک امر صرفاً احتمالی باشد یعنی محتمل‌الحصول، قابل مطالبه نیست اما اگر نفعی باشد که طبق جریان عادی امور علی‌القاعده حاصل می‌شد، یعنی مسلم‌الحصول، قابل مطالبه است. (توکلی، ۱۳۹۹، ۵۳۴)

۳-۲- خسارت روحی و شخصیتی

خسارت روحی یکی دیگر از انواع خسارت معنوی است که می‌تواند بر زیان‌دیده وارد شود و آسیب به روح و روان عواطف و احساسات شخص زیان‌دیده است این آسیب گاهی آنقدر مهم می‌شود که از یک اختلال فکری ممکن است به جنون تبدیل شود. آسیب‌های روحی که به شخص زیان‌دیده وارد می‌شود سبب می‌شود که زندگی سابق خود را نتواند ادامه دهد و یا با دشواری همراه باشد آسیب‌هایی که می‌تواند باعث یاس و ناامیدی او از زندگی شود و یا غم و اندوه را برای او به همراه بیاورد و یا او را دچار افسردگی و یا اختلال حواس کند این موارد می‌تواند از جمله اموری باشد که زندگی را برای شخص سخت و یا حتی غیرممکن کند.

یکی از حقوق‌دانان به عواملی که می‌تواند در بروز خسارت روحی موثر باشد اشاره نمود، مواردی همچون صدمه‌ی روحی ناشی از بروز یک حادثه غیرمنتظره، صدمه‌ی روحی ناشی از اهانت به باورها، رنج روحی در اثر صدمه به تمامیت جسمانی، صدمه روحی ناشی از دست دادن تعلقات مورد علاقه،

صدمه‌ی روحی ناشی از فوت یا آسیب جسمی و روحی نزدیکان، اینها می‌تواند از جمله عوامل موثری در بروز خسارت معنوی شخص بشود. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴، ۲۹)

خسارت به شخصیت فرد می‌تواند از شاخص‌ترین خسارت معنوی باشد این نوع خسارت می‌تواند عوامل متعددی را در خود جای بدهد همچون مهارت‌ها، صفت‌های بدنی شخص، استعداد، افکار و عقاید شخص، اعتقادات شخص و یا گرایش‌ها، زیبایی و ... را دربر بگیرد در معنای کلی هر آنچه که سبب شود تا فردی از دیگری متمایز و متفاوت شود شخصیت او را تشکیل می‌دهد و آنچه که باعث جریحه‌دار شدن این عوامل بشود می‌توان خسارت معنوی نامید. حقوق مربوط به شخصیت مصادیقی از قبیل: نام نام خانوادگی، اقامتگاه، تابعیت، شغل، عقیده، حق آزادی بیان، امنیت و آرامش، رفاه، فعالیت‌های سالم در اجتماع و مشارکت‌های سیاسی بوده و این حقوق جنبه معنوی دارد. برخی از حقوقدانان خسارت معنوی واژه بر شخصیت فرد را مواردی همچون، لطمه به شهرت و اعتبار، سلب آزادی، محرومیت از موقعیت‌ها و فرصت‌ها، تجاوز به امور محرمانه و اسرار خانوادگی، صدمه به احساسات و باورها و صدمه به حقوق مدنی برشمردند. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴، ۳۳)

۳- مفهوم زیبایی

شایسته، زینده، نیکو، جمیل (معین، ۱۳۸۶) «حسن کثیر که گاه اختصاص به ذات، رفتار و ظاهر انسان دارد و گاه جمال نسبت به چیزی که انسان در حق غیر انجام می‌دهد، اطلاق می‌شود» (نقل قول از نظری توکلی، نادری پارسا، ۱۳۹۸، ۳۷)؛ نقص زیبایی، زشتی است همانطور که نقص نیکی، بدی و نقص حق، باطل است (یوسفیان، ۱۳۷۹، ۱۵۶)

بزرگان و فلاسفه تعاریف متفاوتی از زیبایی مطرح کردند از ظاهر و باطن، از محیط و ... اما آنچه که از زیبایی در کلام همه آنها مطرح شده این است که زیبایی یعنی قرار گرفتن مناسب اجزا کنار هم بدین نحوه که هر جز در جایگاه صحیح و متناسبی قرار گرفته باشد و این تناسب، سبب زیبایی است. نکته دیگر که باید افزود این است که زیبایی تنها در صورت افراد نیست بلکه تمامیت یک فرد می‌تواند سبب زیبایی او شود که صورت یکی از رایج‌ترین آنها است.

یکی از عوامل اصلی شناسایی زیبایی در قرآن وجود نظم و ترتیب و هماهنگی است و از این طریق آن شیء یا فرد و یا موضوع برای ما زیبا خواهد شد. از این رو آنچه که به عنوان یک شاخص در قرآن

در مورد زیبایی بیان شد، وجود نظم و ترتیب است همانند آیه ۲۰ از سوره طور که بیان می دارد: «تخت های صف کشیده در کنار هم تکیه می زند» و یا آیه ۸ سوره رعد که بیان می دارد: «و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد» و نمونه های بسیاری که همه بیانگر وجود یک نظم و تناسب و یا حتی تضاد میان عوامل است که همگی بیانگر زیبایی است.

آنچه از مصادیق زیبایی در قرآن اشاره شده را می توان در دو محور، زیبایی مادی و زیبایی معنوی بیان کرد.

در باب مصادیق زیبایی مادی به عواملی همچون زیبایی انسان^۶ها، زیبایی آسمان و ستارگان، زیبایی حرکت ابر و باد، زیبایی گسترده سایه، زیبایی حرکت پرندگان در آسمان، زیبایی جانداران و حرکت آنها، زیبایی طبیعت، زیبایی دریاها، زینت های زمین، باران و اعجاز آن اشاره داشته است و در مورد مصادیق زیبایی معنوی به عواملی همچون زیبایی صبر و استقامت، زیبایی ایمان، زیبایی عقل، زیبایی علم، نیت زیبا، عفو و بخشش، زیبایی جدایی از ناپسندی ها اشاره کردند. (آتش روز، ۱۳۹۶، ۷۴-۱۰۱) روایتی از امام علی(ع) در مورد زیبایی بیان شده که فرمودند «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمت را بر بنده خود ببیند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۳۸)

زیبایی از نظر پزشکی را می توان اینگونه بیان کرد که هرگاه تعادل و تناسب عضوی از اعضای انسان که سبب زیبایی است از حالت طبیعی خود خارج شود در واقع دچار بیماری شده است حال این بیماری به واسطه^۷ی از دست رفتن منفعت زیبایی ظاهری باشد و یا به واسطه^۸ی بر هم خوردن تعادل روانی و شخصیتی فرد به دلیل نقص یا از بین رفتن زیبایی باشد. عنوان زیبایی در پزشکی فقط به زیبایی کالبد فیزیکی انسان اطلاق دارد چرا که هر یک از اعضای بدن ضمن کارایی مفید و اختصاصی خود سبب زیبایی هم می شود به عنوان مثال وجود بینی در مرکز صورت که نقش موثری در زیبایی دارد. (عاملی، ۱۳۹۶، ۱۱)

بعضاً مواردی که می تواند در باب خسارت معنوی مطرح شود بحث زیبایی ظاهری و چهره در افراد است که البته اگرچه در بین خانمها معمول و متداول است اما بعضاً در آقایان هم دیده شده که تمایل به انجام بعضی عمل های زیبایی برای چهره خود دارند. شخصی به دلیل ناهماهنگ بودن اجزای صورت یا برای زیباتر شدن به پزشک مراجعه می کند و به دلیل قصور پزشکی و مسائلی از این دست متأسفانه نه تنها زیبا نمی شود بلکه زیبایی نسبی خود را نیز از دست می دهد. البته در برخی موارد فرد

نه برای عمل جراحی زیبایی بلکه به دلیل دیگری به پزشک مراجعه می‌کند اما با قصور پزشکی، فرد زیبایی خود را از دست می‌دهد به‌عنوان مثال خانمی که به دندان‌پزشکی مراجعه می‌کند و پزشک معالج برای تزریق داروی بی‌حسی برای شروع کار، به نقطه حساسی در فک تزریق می‌کند و این فعل پزشک سبب افتادن فک بیمار موردنظر می‌شود و شخص، تکلم طبیعی خود را از دست بدهد و برای صحبت کردن مجبور باشد فک خود را با دست نگه دارد. طبیعی است که در چنین شرایطی جنسیت بیمار مهم نیست و این شرایط سخت به‌شدت برای او آزاردهنده است و فرد را منزوی می‌کند. نقص زیبایی سبب دشواری‌هایی در زندگی افراد همچون از دست دادن فرصت ازدواج، از دست دادن فرصت شغلی مناسب، از دست دادن فرصت ادامه تحصیل، منزوی شدن، ترس از مسخره شدن، از دست دادن رضایتمندی از خود و در نهایت افسرده شدن که هر کدام شیوه مناسبی را جهت جبران می‌طلبد.

خطاهای پزشکی به طور عمده می‌تواند در برگیرنده تشخیص‌های اشتباه باشند. خطاهای پزشکی می‌تواند در سه دسته تقسیم بندی شود: ۱- خطاهای مرتبط با سیستم (نقایص فنی یا سازمانی) ۲- خطای گزارش‌دهی مرتبط با گزارش‌های نامعمول یا مرتبط با بیمار مانند تمارض یا عدم همکاری ۳- خطاهای شناختی (سوگیری، نقص در جمع‌آوری داده یا تلفیق اطلاعات). استدلال بالینی می‌تواند در به حداقل رساندن خطاهای پزشکی تاثیر بسزایی داشته باشد به این معنا که توانایی تشخیص‌گذاری بالینی، یک مهارت ضروری پزشکی است از این رو نقص در استدلال بالینی می‌تواند منجر به خطاهای پزشکی شود. (سعیدی، اربابی، ۱۴۰۰، ۳)

۴- دیدگاه فقهای امامیه در مورد عمل زیبایی

جراحی‌های زیبایی و ترمیمی (جراحی پلاستیک) از جمله شاخه‌های است که در علم پزشکی بسیار پرکاربرد است حال به بررسی دیدگاه فقهای می‌پردازیم که در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت آن چه نظری دارند. قبل از اشاره دیدگاه فقهای امامیه به دیدگاه فقهای اهل سنت اشاره داشته باشیم که نظر آنها در مورد جراحی‌ها که به دو نوع ترمیمی و زیبایی تقسیم می‌شود چیست، آنها با توسل به آیه ۱۱۹ از سوره نسا و حدیثی از پیامبر(ص)، جراحی زیبایی را حرام و جراحی ترمیمی را مشروع می‌دانند زیرا جراحی زیبایی را تغییر در خلقت الهی میدانند اما جراحی ترمیمی را تغییر در خلقت نمیدانند

بلکه هدف و قصد، از بین بردن ضرر است بنابراین مشروع و مباح است. (حاجی تبار، موسوی، ۱۳۹۵، ۸۵) اما نظر اکثر فقهای معاصر امامیه این است که جراحی زیبایی مجاز و مشروع است از این رو جراحی ترمیمی هم به طریق اولی مجاز خواهد بود البته در بین فقهای امامیه چند دیدگاه در این باب مطرح شده است .

دیدگاه اول: نظر اقلیت فقها، مشروعیت مطلق عمل زیبایی است همچون آیت الله منتظری که عمل زیبایی را جایز و صحیح میدانند (به نقل از شنیور، ۱۳۹۲، ۱۱۷)

دیدگاه دوم: در این دیدگاه نظر فقها بر عدم جواز عمل زیبایی است و برخی هم تردید در آن بیان کردند از جمله آیت الله علوی گرگانی بیان داشتند «عمل جراحی زیبایی بینی جایز نیست» همچنین نظر آیت الله بهجت « بنا بر احتیاط واجب عمل جراحی برای صرف زیبایی جایز نیست» نظر آیت الله فاضل لنکرانی در کنار جایز بودن عمل، احتیاط در ترک آن دانسته اند.

دیدگاه سوم: نظر اکثر فقها جواز عمل زیبایی با قید و شرط را مشروع میدانند. از جمله امام خمینی (ره) « اگر جراح زن باشد و موجب ضرر هم نشود، مانع ندارد» نظر آیت الله صافی گلپایگانی و نوری همدانی این است که عمل زیبایی در صورت وجود غرض عقلایی بلا مانع است (محمودی، ۱۳۸۶، ۱۵۴)

۵- روش های جبران خسارت معنوی

اشیوه های جبران خسارت معنوی که در اکثر نظام ها مطرح است را می توان در موارد زیر برشمرد:

۵-۱- اعاده وضعیت به حال سابق یا روش عینی

طبق نظر اکثر حقوقدانان این روش به عنوان کامل ترین راهکارها برای جبران خسارت است . البته منظور از اعاده به وضع سابق این نیست که وضعیت قبل از بروز خسارت مجدد احیا شود بلکه هدف این است که اگر آن فعل زیانبار رخ نمی داد این وضعیت می توانست محقق نشود. (نقیبی ۱۳۸۶، ۳۸۶)

بدیهی است که ضررهایی که در گذشته ایجاد شده باید جبران شود هر چند این جبران ضرر به هر نحوی انجام گیرد وضعیت زیان دیده به وضع سابقش بر نمی گردد چراکه نمی توان زمان را به عقب برگرداند و وضع را همچون سابق قرارداد، اگر عامل ضرر مربوط به آینده باشد که ممکن است ضرری ایجاد شود، می شود ریشه ی ضرر را از بین برد پس در نتیجه ی امر باید گفت تا جایی که

عرف هم جبران ضرر را لازم بدانند، جبران آن باید انجام بگیرد هر چند که همانند سابق نشود. (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ۱۱۳)

برخی اعاده به وضعیت سابق را جبران عینی یا امحای زیان می نامند چرا که در این روش جبران خسارت به نحوی است که موقعیت زیان دیده به وضع قبل از بروز خسارت برمی گردد. (میشل لورراسا، مسولیت مدنی، ۱۳۷۵، ۱۵۰) نظر بعضی از حقوقدانان در مورد روش جبران عینی این است که این روش بیشتر در مسؤولیت قراردادی کاربرد دارد و در مسؤولیت ناشی از ضمان قهری یک استثناء است. (مقدم سعید، ۱۹۸۵، ۱۷۸) این روش از جبران خسارت در بعضی از مصادیق خسارت های مادی، بسیار ضروری و کارآمد است همانند مال مغضوب، که در آن ضمان به عهده غاصب است و او مکلف است چنانچه عین مال موجود است آن را به صاحبش برگرداند. فقها در این موارد ادعای اجماع کرده اند. (محمدحسن نجفی، ۱۳۷۶، ۷۶) البته در صورت تعذر در رد عین، بدل حیلولة بر ذمه قرار می گیرد که برای فراغت ذمه باید، مثل در صورت مثلی بودن و قیمت در صورت قیمی بودن پرداخت گردد (مرتضی انصاری، ۱۲۸۶، ۳۳۰) ماده ۳۱۱ قانون مدنی در این مورد مقرر می دارد: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد»

طبق گفته برخی از حقوقدانان مصادیق کمی از خسارت معنوی وجود دارد که بتوان با روش اعاده به وضع سابق جبران کرد به عنوان مثال دریافت پول برای ترمیم اعضای بدن یا برگشت منافع از دست رفته اعضای بدن البته با اغماض می شود از مصادیق جبران عینی به وضع سابق دانست چرا که با ترمیم کارایی عضو بدن همانند سابق نیست اما اینگونه بیان می شود که زیان دیده وضعیت سابق خود را بدست آورده است. مثال دیگر در این رابطه می توان به پخش موسیقی در یک آپارتمان مسکونی اشاره کرد که ساکنین آپارتمان اشخاص معتقدی هستند که این عمل سبب جریحه دار شدن احساسات مذهبی آنها می شود و حکم به ترک پخش موسیقی، می تواند مصادیق اعاده به وضع سابق باشد. (نقیبی ۱۳۸۶، ۳۸۷) از طرف دیگر به مصادیقی نیز می توان اشاره کرد که نمی توان خسارت معنوی موجود را به وضع سابق برگرداند به عنوان نمونه خانمی که به عنوان تنها و آخرین شانس توانسته باردار شود و به واسطه ی عمل شخص و بروز حادثه، حمل خود را از دست بدهد در این فرض چگونه می توان وضع زیان دیده را به سابق برگرداند و یا به عنوان مثال دیگر خسارات وارد

شده به احساسات میت، زمانی که او در قید حیات بوده اشاره کرد، چرا که فرصت جبران در این فرض برای همیشه از بین رفته است. (فاطمه قدرتی، ۱۳۹۶، ۱۱۹)

در خسارت های معنوی و بدنی غالباً امکان برگرداندن وضع به سابق وجود ندارد از این رو این روش یعنی جبران عینی خیلی کارآمد نیست اما در خسارتهای مالی می توان از این شیوه استفاده کرد همانند ماده ۳۱۱ قانون مدنی که پیشتر به آن اشاره شده است. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۶، ۲۴۶)

به گفته حقوقدانان گرچه این نوع جبران خسارت می تواند در نوع خود کامل باشد اما در بسیاری از موارد کارآمد نیست و می بینیم که در مصادیق بسیاری نمی تواند خسارات وارده را جبران نماید و این امر سبب می شود تا دادگاه ها از روش های دیگری جهت جبران خسارت برای حکم دادن استفاده کنند

۵-۲- مالی جبران خسارت از طریق دادن معادل

جهت جبران خسارت در این روش هدف اصلی آن است که آنچه به واسطه ی ورود زیان از بین رفته، معادل آن به شخص زیان دیده برگردانده شود. در این روش می توان راه های مختلفی را جهت جبران خسارت وارده اتخاذ کرد که یکی از پر کاربردترین نوع آن، روش مالی جبران خسارت است، البته این نکته را نیز باید افزود که در روش معادل، لزوماً نوع مالی و پولی نیست و دادگاه ها می توانند با توجه به پرونده و شرایط طرفین و سایر موارد، مناسب ترین معادل را مورد حکم قرار بدهند. (نقیبی، ۱۳۸۶، ۳۸۹) ماده ۳ قانون مسولیت مدنی در این باره مقرر می دارد: «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد»

در بکارگیری روش معادل برای جبران خسارت، اگرچه در خسارات مادی چه نقدی و چه غیر نقدی می توان از این روش استفاده کرد اما در خسارات معنوی شاید بتوان جبران نقدی ضرر را به عنوان راه جبران خسارت در نظر گرفت. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۶، ۲۴۸)

در حقوق کنونی مصادیق تحمل ضرر به صرف این نیست که شخص نفع مادی یا مالی را از دست بدهد چه بسا افراد در برابر لطمه های روحی و احساسی هم آسیب خواهند دید، آسیبی که گاهی پدیدار و پیدا نیست اما از درون شخص را می آزارد و این ها مصادیق ضررهای عاطفی خواهند بود که مسلم است که با پول نمی توان آن را ارزیابی کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ۴۲)

همانطور که برخی از حقوقدانان به آن معتقدند، اگر چه در این روش می شود گاهی به نتیجه رسید اما باید گفت در بسیاری از موارد هرگز نمی تواند وضعیت زیان دیده را به حال سابق برگرداند چرا که در

روش جبران خسارت از طریق مادی از یک طرف با مشکلات ارزیابی خسارت مواجه است و از طرف دیگر معاوضه حیثیت و آبروی شخص با پول در نوع خود توهین محسوب می شود و بدیهی است که نمی توان از این روش جهت جبران خسارت استفاده نمود. (باریکلو، ۱۳۹۶، ۳۶۵) البته این نکته را نیز باید افزود که اگر چه در موارد بسیاری شاهد ناکارآمدی این روش هستیم که یقیناً نمی شود خسارت معنوی وارده را به طور کامل با پول جبران کرد اما نباید این نکته را نیز نادیده گرفت که در برخی موارد هم تا حدی می تواند برای تالمت روحی زیان دیده التیام بخش و جبران کننده باشد. (داراب پور، ۱۳۸۷، ۱۰۷-۱۰۸) به گفته برخی از حقوقدانان برای جبران بهتر خسارت معنوی باید روش مناسبی را جهت جبران اتخاذ نمود تا نتیجه ی مطلوبی را به همراه داشته باشد طبق این نظر بسته به اینکه خسارت معنوی صرف باشد یا همراه با عواقب مالی باید فرق قائل شد چرا که اگر خسارت معنوی صرف باشد باید از طریق معنوی جبران شود و جبران شدن مادی نمی تواند کمک کننده باشد و اگر خسارت معنوی همراه با زیان مالی باشد بهتر است این خسارت از طریق مادی جبران گردد. (باریکلو، ۱۳۹۶، ۲۶۸)

۳-۵- جبران خسارت نمادین یا اسمی

این روش در صورتی اعمال می شود که خسارت به حیثیت و اعتبار شخص وارد شده است که قابل جبران با پول نیست و از طرفی زیان دیده نیز راضی به این نیست که خسارت با پول جبران شود در این صورت از دادگاه تقاضای حکم به جبران خسارت اسمی می کند این روش در کشورهای فرانسه، انگلیس و آمریکا پذیرفته شده است.

آنچه در این روش وجود دارد صرف صدور حکم به جبران خسارت معنوی است که در واقع این برای زیان دیده ارزش حقوقی و اجتماعی دارد و او به دنبال پول حاصل از این حکم نیست بلکه صرف صدور حکم او را راضی می کند. (نقیبی، ۱۳۸۶، ۳۹۳)

در حقوق ایران نیز اگر زیان دیده از دادگاه تقاضا کند می تواند از این روش جهت جبران خسارت استفاده نماید و در صورت عدم تقاضای زیان دیده، قاضی نمی تواند راساً نسبت به این روش از جبران خسارت، حکم کند.

۴-۵- پرداخت غرامت کیفری (خسارت تنبیهی)

اگر وارد کننده زیان، عملی را به عمد و با سوءنیت انجام بدهد که سبب خسارت دیگری شود می توان

از این روش استفاده کرد. این روش در برخی از کشورها همچون آمریکا و انگلیس پذیرفته شده است. (نقیبی، ۱۳۸۶، ۳۹۳) در نظام حقوقی کامن‌لا نیز به خسارت تنبیهی اشاره شده که ناظر به مواردی هست که شخص با سوءنیت و عمد، خسارتی را به بار می‌آورد و گاه نیز در مواردی دادگاه‌ها حتی بدون بروز زیان و سوءنیت نیز به پرداخت غرامت تنبیهی علاوه بر جبران کامل خسارت رای داده‌اند به عنوان مثال پزشک یا وکیل دادگستری که مرتکب خطای شغلی و حرفه‌ای شده باشد به طور کلی در هر جا که خطای شخص به طور فاحش بوده باشد و به صورت خاص قابل سرزنش باشد دادگاه‌ها به مسئولیت وارد کننده زیان بیش از زبانی که به بار آورده به منظور مجازات و بازدارندگی رای داده‌اند. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۶، ۲۵۵)

خسارت تنبیهی در قانون ایران همانند فرانسه پذیرفته شده است همانند ماده ۳۱۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت»...

در رویه قضایی ایران با توجه به اینکه ارزیابی و تعیین میزان خسارت به عهده قاضی است به نظر می‌رسد که دادگاه‌ها در مورد ارتکاب تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین از طرف عامل زیان تمایل به آن دارند که مبلغی بیش از میزان خسارت واقعی برای جبران ضرر معین کند و این افزون بر مواردی است که تعیین خسارت تنبیهی در قوانین خاص پیش‌بینی شده است. (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۷، ۵۲۰)

همچنین می‌توان به قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۱ اشاره داشت که مقرر می‌دارد «با توجه به اصل عمل متقابل میزان در تقویم خسارت مادی و معنوی زیان‌دیدگان و در صورت لزوم خسارت تنبیهی احکام مشابه صادره از دادگاه‌های خارجی خواهد بود»...

اگرچه جبران خسارت معنوی در سه نظام ایران، فرانسه و انگلیس پذیرفته شده و شیوه‌های جبران آن نیز مطرح شده است اما وجود برخی مصادیق از خسارت معنوی همچون از دست دادن زیبایی ظاهری و صورت، ناکارآمدی این شیوه‌ها را بهتر نشان می‌دهد چراکه با وجود پذیرش جبران این نوع خسارت از طرف قانون اما در نظر گرفتن شیوه جبران مناسب نیز امر مهمی است. به نظر میرسد توجه به شخصی کردن نحوه جبران، بیشتر خود را نشان می‌دهد به این معنا که اگر با توجه به شرایط شخصی افراد، بتوانیم شیوه خاصی جهت جبران در نظر بگیریم تا از این طریق حقوق پایمال شده

زیان‌دیده تا حد قابل‌قبولی جبران گردد.

۶- پرداخت شیوه‌های متداول جبران در نقص زیبایی

امروزه در اکثر جوامع جبران خسارت ناشی از نقص زیبایی نیز پذیرفته شده است اما آنچه که در نحوه ی جبران اینگونه خسارت مطرح است شیوه‌ی مالی است. به این معنی که بیشتر از شیوه‌های مالی جهت جبران خسارت، به‌رمنند می‌شوند به عنوان مثال برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ شورای دولتی فرانسه در یکی از آرای خود به خانمی که در حادثه‌ای در آزمایشگاه، صورتش مجروح شد و زیبایی اولیه خود را از دست داد حق مطالبه خسارت معنوی داد و همچنین در سال ۱۹۴۹ در یک مورد مشابه دیگر حکم به جبران خسارت معنوی و خسارت مادی هزینه درمان و بیکاری را داد چراکه خواهان مدعی بوده با زشت شدن چهره او پیدا کردن کار برای او دشوار شده است.

از طرف دیگر در حقوق انگلیس هم پیشنهاد تعیین تعرفه قانونی مشخص برای انواع صدمات جسمی مطرح شد و در سال ۲۰۱۳ اجرایی شد و برای هر صدمه و آسیب بدنی، مبلغ مشخصی تعیین شد به عنوان مثال در سال ۱۹۸۵ در یک پرونده ۷۵ هزار لیره برای درد و رنج بدنی و از دست دادن تعادل فیزیکی زیان‌دیده تعیین شد و موارد مشابه دیگر که با توجه به نوع خسارت و آسیب بدنی مبلغ مشخصی برای آن در نظر گرفته شده بود. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴، ۱۸۲-۱۸۵)

با توجه به آنچه مطرح شده، خسارت معنوی ناشی از نقص زیبایی قابل مطالبه است و روش جبران آن نیز غالباً به صورت مالی است البته همین مسله در قانون کشور ما تحت عنوان ارش و دیه مطرح شده است. آنچه در مورد دیه در فقه امامیه بیان شد آن است که در نتیجه جنایت برنفس با مادون نفس واجب میشود. (شهید ثانی، ۲۸۹، خوئی، ۸۶) آنچه دیگر فقها بیان کردن دیه را عوض نفس، فاضل مقداد، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، ۴، ۲۶۹) همچنین آن را در حکم مال مقتول (شهید ثانی، ۳۱۳) برخی دیگر آن را در حکم مال میت بیان داشتند (عاملی غروی، مفتاح الکرامه ۲۶۶) حقوقدانان اسلامی همچون رشدی، دیه را مجازات میدانند (رشدی، الفقه الجنایی الاسلامی، ۵۲) برخی دیگر دیه را شیوه ی جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی دانستند (توفیق، اهلیه العقوبه، ۱۵) گروه دیگر برای آن ماهیت دوگانه یعنی تلفیقی از خسارت و مجازات در نظر گرفتند. (خفیف، الضمان فی الفقه الاسلامی، ۱۶۱؛ العوا، اصول العظام الجنائی، ۳۳۹) پیرو دیدگاه‌های بیان شده می‌توان به این نظر هم اشاره نمود «بهترین نظری که در زمینه دیه گفته شده است این است که هم جنبه مجازات و هم

ویژگی خسارت را داراست. دیه از آن جهت مجازات است که در مقابل جرم مقرر گردیده است حتی اگر مجنی علیه جانی را عفو کند میتوان جانی را به مجازات تعزیری محکوم کرد درحالیکه اگر مجازات نبود، بدون درخواست مجنی علیه نمیتوانستیم حکم به تعزیر جانی کنیم و جایز نبود که با عفو مجنی علیه مجازات تعزیری برای او مقرر نماییم. ولی از جانب دیگر دیه خسارت است زیرا دیه مالی است که تماماً به مجنی علیه تعلق میگیرد و همچنین اگر مجنی علیه از حق خویش در دریافت دیه درگذرد جانی را نمیتوان به پرداخت دیه محکوم کرد» (عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ۶۶۸)

در مورد دیه به عنوان یک روش، جهت جبران خسارت معنوی وارد بر زیبایی اشخاص، به نظرات فقها اشاره داشته باشیم که در این مورد فقها به دیه لب به عنوان یکی از اعضای زیبایی اشاره داشتند. با توجه به نظر برخی از فقها، در تعیین مقدار دیه، زیبایی را نیز باید مورد توجه قرار داد. بنابراین در دیه لب بالا یک سوم و در دیه لب پایین دو سوم وجود دارد چرا که آسیب رساندن آن سبب زشت تر شدن به نسبت آسیب رساندن به لب بالایی خواهد بود. (بغدادی، ۱۴۱۳، ۷۵۵)

نظر شیخ طوسی در مورد خشک شدن لب ها به واسطه ی جنایت بر آن، این است که در چنین شرایطی دیه ثابت خواهد شد زیرا درهم رفتن و خشک شدن لب ها سبب می شود تا روی دندان ها قرار نگیرند و از این رو منفعت زیبایی در شخص از بین برود. (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳۲) اگر چه دیه به عنوان یکی از راه حل ها جهت جبران ضرر در نظر گرفته شده اما با بررسی نظر برخی از فقها، کمتر به ضمان در بحث زیبایی اشاره شده و صرفاً بخش کوچکی در باب دیه جهت جبران آن در نظر گرفته شده است اما با توجه به ماهیت حقوقی دیه و نظر برخی دیگر از فقها، ضمان در باب زیبایی ثابت است و می توان دریافت که، کسر زیبایی در اشخاص نیز قابل مطالبه است. (بهمن پوری، ۱۳۹۸، ۵۰)

در نظریه اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه (نظریه شماره ۷/۶۲۹۶_۱۳۷۸/۹/۲) بر اساس رای وحدت رویه شماره (۱)۶۱۹_۱۳۷۶/۸/۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور، هرگاه عضوی که نقص زیبایی پیدا کرده، دیه معین داشته باشد علاوه بر دیه، تعیین ارش جایز نیست در غیر اینصورت ارش معین می شود. (نظری توکلی، نادری پارسا، ۱۳۹۸، ۳۹)

همچنین یکی از نویسندگان در باب طرق جبران زیبایی به اصل ۱۷۶ قانون اساسی و احتساب زیبایی به عنوان منفعت مستقل و قابل توسعه دانستن منافع مذکور در قانون مجازات اسلامی بر اساس

ماده ۷۰۸ اشاره داشته است. (عاملی، ۱۳۹۶، ۷۷)

آنچه که از زیبایی مطرح می‌شود لزوماً، منحصر در صورت که مصداق عینی زیبایی به شمار می‌رود، نیست بلکه در سایر اعضای انسان نیز قابل مشاهده است. مطالبه خسارت معنوی ناشی از نقص زیبایی امر مسلم مورد قبول جوامع بوده اما شیوه جبران آن چندان کارا نبوده و پرداخت صرف هزینه مالی برای جبران زیبایی امری دشوار است. چگونه می‌شود کسی را که با اسیدپاشی صورت خود را از دست داده با پول راضی کرد یا خانمی که به واسطه ی حادثه رانندگی صورت خود را از دست داده است، هرچند برای بهبودی او لازم است چند عمل جراحی پلاستیک انجام گیرد اما او هیچگاه ظاهر اولیه خود را بدست نخواهد آورد. و یا کسی که بخاطر انحراف بینی و مشکل در تنفس و هم از باب زیبایی بینی، خود را به تیغ پزشکی زیبایی می‌سپارد اما در پایان کار نه تنها مشکل تنفس او برطرف نمی‌شود بلکه مشکل از دست دادن زیبایی بینی نیز می‌شود. در توضیح این موضوع باید گفت عوامل متعددی می‌تواند در امر جراحی های زیبایی موثر باشند عواملی همچون بیماری و ناتوانی مثل نمونه مذکور که از مشکل تنفس بینی بیان شد و عامل دیگر می‌تواند روانی باشد یعنی از منظر رضایتمندی شخص از خود که اینبار در عمل زیبایی بینی است اما نهایت امر با هر نیتی که فرد وارد این مرحله شود و نقص جدیدی بر او وارد شود، اگر چه حکم به جبران مسلم است اما گاهی شیوه جبران با سختی همراه است که یقیناً در مثال مذکور جبران مالی نمی‌تواند کمک کننده باشد و باید به دنبال شیوه جدیدی بود. از این رو اگرچه جبران اینگونه خسارات دشوار است اما این امر نباید سبب شود تا به کلی نادیده گرفته شود از طرف دیگر برای اینکه بتوان به هدف جبران خسارت نزدیک شد بهتر است از شیوه جدید جهت جبران بهرمنند شد. اگرچه اینگونه پرونده‌ها، منتهی به جبران مالی می‌شود اما باید گفت این شیوه برای اینگونه خسارت‌ها از جهت جبران به وسیله دیه یا ارش منطقی است اما با همه این اوصاف همچنان بخش معنوی بدون جبران باقی مانده است از آنجا که قانونگذار به قاضی پرونده این اجازه را داده است تا باتوجه به وضعیت پرونده بهترین تصمیم را اتخاذ نماید شاید در مثال مذکور بهترین شیوه جبران جراحی پلاستیک رایگان برای زیان دیده باشد و یا معرفی پزشک حاذق و با هزینه عامل ورود زیان باشد تا از این طریق بتوان وضع زیان دیده را بهبود بخشید، چرا که با وجود روش اعاده به وضع سابق به عنوان یکی از روش های جبران خسارت، این شیوه در خسارت معنوی کارا نبوده و نمی‌تواند زیان دیده را به وضع قبل برگرداند. با استفاده از روش جدید

پیشنهادی، با جلب نظر شخص زیان‌دیده می‌توان به هدف مسؤولیت مدنی که جبران خسارت کامل می‌باشد دست یافت.

۷- یافته ها

نقض زیبایی از مصادیق مهم خسارت معنوی است که ارزیابی خسارت آن از گذشته تا کنون با دشواری‌هایی همراه بوده است. با توجه به آنچه که از شخصی کردن جبران در خسارت معنوی بیان شده و مصادیق همچون از دست دادن زیبایی، بهتر است برای این نوع خسارت از شیوه جدیدی بهره‌مند شویم تا بتوانیم به هدف اصلی مبنی بر جبران خسارت برسیم، شیوه‌های کلی که برای جبران بیان شده از قبیل روش عینی، دادن معادل همچون دیه و ارش، نمادین و اسمی و روش تنبیهی است که هر آن ایراداتی وارد شده است که در نتیجه برای جبران خسارت معنوی مناسب نخواهند بود از این رو توجه به خواسته زیان دیده به عنوان شیوه نوین پیشنهاد شده به این معنا که در وضعیت شخص زیان‌دیده مثلاً کسی که زیبایی صورت خود را به واسطه قصور پزشکی، تصادف، اسیدپاشی و ... از دست داده بررسی گردد یعنی شناسایی نوع حادثه و موقعیت هر شخص تا با کمک شخص زیان‌دیده روش مناسبی جهت جبران اتخاذ گردد، که البته این شیوه مطلق نیست بلکه همراه با نظر قانونگذار و قاضی و همچنین توجه به عامل ورود زیان است که سبب عسر و حرج او نگردد و به نحوه ی با تامین حقوق بینابین البته با تاکید بر حقوق زیان‌دیده هستیم.

به نظر اتخاذ این شیوه در برخی از مصادیق خسارت معنوی از جمله زیبایی ظاهری افراد می‌توان تا حد قابل قبولی سبب آرامش خاطر زیان‌دیده گردد به عنوان مثال خواسته زیان‌دیده جبران از طریق عمل جراحی مجدد اما رایگان توسط همان پزشک یا توسط پزشک دیگر اما با هزینه پزشک خاطی انجام گیرد که از منظر قانون نیز قابل قبول و مشروع است.

منابع و مأخذ

۱. آتش روز، امید (۱۳۹۶). تحلیلی بر شناخت زیبایی و مصادیق آن در قرآن.
۲. العوا، محمد سلیم، اصول النظام الجنائی الاسلامی، دارالمعارف
۳. امامی، حسن (۱۳۹۵). حقوق مدنی، جلد یک، چاپ ۳۷، انتشارات اسلامیه.
۴. انصاری، مرتضی (۱۲۸۶). المکاسب، چاپ سنگی، طهران.
۵. باریکلو، علیرضا (۱۳۹۶). مسؤولیت مدنی، چاپ ۷، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
۶. بجنوردی، حسن (۱۴۱۰). القواعد الفقہیہ، چاپ ۲، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۷. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه (للشیخ المفید) (۱۴۱۳). چاپ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.
۸. بهمن پوری، عبدالله (۱۳۹۸). تحلیل فقهی مسئولیت ناشی از ورود خسارت برزیبایی و کارکرد ثانوی اعضا.
۹. توفیق رضا، حسین، اهلیه العقوبه فی الشرعیه و القانون المقارن
۱۰. توکلی، محمد مهدی، (۱۳۹۹). حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، مکتوب آخر.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸). ترمینولوژی حقوق، بی چا، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۲. حاتمی، علی اصغر (۱۳۸۲). خسارت معنوی و شیوه های جبران آن در حقوق ایران.
۱۳. حاجی تبار، حسن، موسوی، سید محبوبه، (۱۳۹۵). بررسی جواز جراحی پلاستیک در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۳.
۱۴. خفیف، علی (۱۹۹۷). الضمان فی الفقه اسلامی، دارالفکر العربی، قاهره.
۱۵. داراب پور، مهرباب (۱۳۸۷). مسولیت های خارج از قرارداد، انتشارات مجد، تهران.
۱۶. رشدی، محمد اسماعیل. الفقه الجنایی الاسلامی، مطبعة الجبلاوی، بی جا، بی تا
۱۷. سعید، مقدم (۱۹۸۵). التعویض عن الضرر المعنوی فی المسئولیة المدینه، دراسة المقارنه، بیروت: دار الحدائث للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۸. سعیدی، محمدتقی، اربابی، محمد (۱۴۰۰). نقش سوگیری های شناختی در خطاهای پزشکی: مروری بر ادبیات، مفاهیم و تعاریف، مجله اخلاق پزشکی، دوره پانزدهم، شماره چهل و ششم.
۱۹. سلطانی نژاد، هدایت اله (۱۳۹۴). برررسی تطبیقی خسارت معنوی، تهران، میزان دانش.
۲۰. شنیور، قادر (۱۳۹۲). گونه شناسی تعهد و مسولیت پزشک در جراحی زیبایی و ترمیمی، فصلنامه فقه و پزشکی، سال پنجم، شماره ۱۷.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، کشف الریبه فی الاحکام الغیبه، مکتب المرتضویه، تهران
۲۲. _____، مالک الافهام دارالهدی، قم
۲۳. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۶). مسولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) چاپ دهم، تهران: سازمان مطالعه تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۲۴. صفایی، حسین، رحیمی، حبیب اله (۱۳۹۷). مسولیت مدنی تطبیقی، چاپ اول، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۲۵. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۷، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیا الاثار الجعفریه.
۲۶. عاملی، سعید (۱۳۹۶). جنایت بر زیبایی.
۲۷. عاملی غروی، جواد (۱۳۲۶-۱۳۲۴). مفتاح الکرامه فی الشرح، قواعد علامه.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۱۸، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۹. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۳). التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً باقانون الوضعی، موسسه الرساله، بیروت.
۳۰. فاضل مقداد، جمال الدین (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.

۳۱. قدرتی، فاطمه (۱۳۹۶). مطالبه خسارت معنوی متوفی (در حقوق اسلام و ایران) چاپ اول، انتشارات مجد.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی مسولیت مدنی، چاپ اول، انتشارات گنج دانش.
۳۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). مسولیت مدنی ضمان قهری، چاپ ۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۴. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی (ط - الاسلامیه) جلد ۶، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۵. لورر اساء، میشل (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران، ناشر حقوقدانان.
۳۶. محمودی، سید محسن (۱۳۸۶). مسائل جدی از دیدگاه علما و مراجع تقلید، نشر صاحب الزمان (عج) ورامین، جلد سوم.
۳۷. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۸. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۶). جواهر الکلام، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۳۹. نظری توکلی، سعید، نادری پارسا، معصومه، (۱۳۹۸). تحلیل فقهی _ حقوقی چگونگی جبران خسارت نقص زیبایی در جرایم منجر به سوختگی.
۴۰. نقیبه، ابوالقاسم (۱۳۸۶). خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۱. نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲). جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق.
۴۲. یوسفیان، جواد (۱۳۷۹). نگاهی بر مفهوم زیبایی شناسی.